

بررسی همخوانی دیپلماسی شهری با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: خواهر شهرهای کلان شهر تهران

دکتر مرتضی قورچی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

جواد کاویانی‌راد - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۶

چکیده

سیاست خارجی گواه بر یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیران حکومتی است که معطوف به اهدافی معین در چهارچوب منافع ملی در محیط بین‌المللی است. دیپلماسی شهری یکی از ابزارهای تقویت سیاست خارجی در عرصه بین‌الملل به شمار می‌رود که می‌تواند به‌عنوان مکمل سیاست خارجی مورد استفاده قرار گیرد. این شکل از دیپلماسی، نشان‌دهنده بازیگری شهرها در مناسبات فراملی است. در این وضعیت قابلیت کلان شهرهای جهان برای توسعه سیاست بینا شهری بین‌المللی به‌عنوان جایگزینی برای سیاست‌های بینادولتی در قالب سیاست شهری با توجه به پتانسیل شهروندی مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از راه‌های تقویت دیپلماسی شهری، پیوندهای خواهر شهری است. این روابط بر پایه رابطه‌ای دوستانه و هدفمند بر تبادل اطلاعات، تجربیات و توسعه مناسبات فرهنگی، اقتصادی، فنی و شهری میان یک شهر با شهری دیگر در خارج از مرزهای یک کشور استوار است. کلان شهر تهران نیز همچون سایر شهرها در عرصه دیپلماسی شهری باید مکمل دیپلماسی رسمی حرکت کند. مقاله حاضر بر این فرضیه استوار است که افزایش شمار خواهر شهرهای تهران در پیوند با سیاست خارجی دولت‌های مستقر در ج.ا. ایران همخوانی دارد یا خیر؟ داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش‌شناسی حاکم بر متن ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد. نتایج تحقیق نشان داد که تعداد خواهر شهرهای تهران از نظر کمی و کیفی به رویکرد سیاست خارجی دولت‌های مستقر در دوره‌های مختلف بستگی داشته است. در ضمن دیپلماسی شهری مکمل دیپلماسی رسمی نبوده و بدون راهبرد مشخص در ارتباط با سیاست خارجی رسمی ملی دنبال شده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، دیپلماسی شهری، خواهر شهری، تهران، ایران.

۱- مقدمه

سیاست خارجی گواه بر راهبرد یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی است که معطوف به اهدافی معین در چهارچوب منافع ملی در محیط بین‌المللی است (Moghtader, 1980: 132). بر این اساس دیپلماسی هنر برقراری و تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه با هدف تأمین منافع ملی است (Mohammadi, 2015: 125). در این میان، دیپلماسی شهری یکی از ابزارهای تقویت سیاست خارجی در عرصه بین‌الملل به‌شمار می‌رود که می‌تواند به‌عنوان مکمل و نه رقیب در سیاست خارجی از آن استفاده کرد. در این شکل از دیپلماسی که شهرهای جهان در آن شرکت می‌جویند، استفاده از قابلیت کلان‌شهرهای جهان برای توسعه سیاست بینا شهری^۱ بین‌المللی به‌عنوان جایگزینی برای سیاست‌های بینادولتی در قالب سیاست شهری با توجه به پتانسیل شهروندی مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از راه‌های تقویت دیپلماسی شهری، ایجاد پیوند بین شهرها و سازمان‌های بین‌المللی (مرتبط با مسائل شهری) است. این روابط بر پایه رابطه‌ای دوستانه و هدفمند بر تبادل اطلاعات، تجربیات و توسعه مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شهری، فنی و سیاسی میان یک جامعه شهری با جامعه شهری همانند خارجی و یا یک سازمان بین‌المللی مرتبط با مسائل شهری استوار است (Kavyanirad, 2016: 145). در این میان، از زمانی که آقا محمدخان قاجار در سال ۱۱۶۴ ه.ش، تهران را به پایتختی برگزید بیش از ۲۳۰ سال می‌گذرد. با سقوط دودمان قاجار و برآمدن خاندان پهلوی و شکل‌گیری نظام سیاسی بسیط یا یکپارچه که تا امروز نیز تداوم داشته است انباشت قدرت و ثروت در این شهر روند فزاینده‌ای داشته و طی این مدت همه راه‌ها به تهران ختم و این شهر گرانیگاه ایران شد به‌گونه‌ای که امروزه تهران محل تلاقی محورهای اصلی ارتباطی کشور است، بر نواحی و کانون‌های سیاسی کشور موقعیت و نقش نظارتی دارد، بزرگترین کانون جمعیتی کشور است به‌گونه‌ای که اندک شمار هستند روستاهایی که در ایران باشند و در تهران یا پیرامون آن مهاجر و ساکن نداشته باشند. همه نواحی سیاسی، فرهنگی ایران نقش کلانتری تهران در حوزه سیاسی، آموزشی، مالی، نظامی و فرهنگی را پذیرفته‌اند، طی یک

1- Inter-City

سده اخیر همه تحولات سیاسی-فرهنگی فراگیر ملی با مرکزیت تهران رخ داده‌اند. اساساً نوع نگرش شهروندان تهرانی، ملی و ایران‌گرایانه است. همین نگاه به همراه وزن ژئوپلیتیک این شهر در مقیاس ملی و فرا ملی نقش هارتلندی و وزن ژئوپلیتیکی بالایی در مقیاس ملی بخشیده است. در ادبیات جغرافیای سیاسی وزن ژئوپلیتیک ناظر بر قدرت و منزلت بازیگران سیاسی در مناسبات قدرت و میزان تأثیرگذاری آنها بر رفتار دیگر کنشگران در مقیاس فروملی، ملی و فراملی است (Kavyanirad, 2016). بر این اساس، کلان‌شهر تهران به‌عنوان پایتخت ج.ا. ایران با داشتن بیست و هفت پیوند با شهرها و سازمان‌های بین‌المللی در قالب معاهده، پیمان، قرارداد و یادداشت تفاهم همکاری با دیگر شهرهای جهان در صدد تقویت دیپلماسی شهری و به تبع آن تقویت سیاست خارجی ج.ا. ایران در مجامع بین‌المللی مبادرت ورزیده است. سیاست خارجی ج.ا. ایران پس از انقلاب عمدتاً بر اساس ارزش‌گذاری‌های اسلامی و رویکردهای ایدئولوژیک شکل گرفت است. در این میان، مدیریت کلان‌شهر تهران نیز متأثر از سیاست خارجی دولت‌های مستقر (سازندگی، اصلاحات، تقابل و تدبیر و امید) بوده و کمتر توانسته است از منافع ناشی از این پیوندها استفاده کند. مقاله حاضر بر این فرضیه استوار است که افزایش شمار خواهرشهرهای تهران در پیوند با سیاست خارجی دولت‌های مستقر در ج.ا. ایران همخوانی دارد یا خیر؟

۲- روش تحقیق

این مقاله مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای است. در روش کتابخانه‌ای بیشتر بررسی اسناد و مدارک، مراجعه به کتب داخلی و خارجی مربوطه، نشریات و مطبوعات، مقالات و مجلات و سایت‌های اینترنتی مورد تأکید قرار گرفته است. پس از گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آنها به‌طور عمده از طریق توصیف و مبتنی بر تفکر، منطق و استدلال صورت گرفته است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- سیاست خارجی

سیاست خارجی^۱ عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه‌های بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌شود. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد (Moghtader, 1980: 131-132). جهتی را که یک دولت بر می‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی، سیاست خارجی می‌گویند (Khoushvaght, 1996: 145). در واقع هدف سیاست خارجی دستیابی به منافع ملی و تضمین امنیت ملی است. از این منظر خط و مشی و روشی که دولت‌ها در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت، تعقیب و تحصیل منافع خود اتخاذ می‌کنند (Kavianirad & Booyeh, 2013: 117). در همین راستا وقوع انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی در مطالعه سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌آید، چرا که جوهره سیاست خارجی ایران را تغییر داد. در این میان یکی از راه‌های تقویت سیاست خارجی، دیپلماسی شهری است. در واقع دیپلماسی شهری می‌تواند به‌عنوان یک مکمل در کنار سیاست خارجی در عرصه بین‌المللی به فعالیت کند.

۳-۲- دیپلماسی شهری

عبارت دیپلماسی شهری به انواع بسیاری از فعالیت‌های بین‌المللی توسط حکومت‌های محلی اطلاق می‌شود؛ در عین حال این عبارت به شکل فراگیری به معنای دخالت حکومت‌های محلی به‌منظور برقراری صلح نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (Mach & Cizo, 2015: 5). امروزه شهرها و کلان‌شهرها نقش عمده‌ای در حل و فصل مسائل و مشکلات جهانی مانند فقر و

1- Foreign policy

گرسنگی، آلودگی هوا و محیط زیست، مهاجرت، بیماری‌های مسری، منازعات بین‌المللی، بحران‌های اقتصادی، تبعیض و بی‌عدالتی، تروریسم و جرایم و جنایات سازمان یافته‌اند. تغییرات نظام بین‌الملل و پررنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی و اهمیت افکار عمومی بین‌المللی سبب شده است که «دیپلماسی شهری» در کنار دیپلماسی سنتی ظهور و بروز یابد (Daroudi & Peimani, 2013: 716). این شکل از دیپلماسی که شهرهای جهان در آن شرکت دارند، استفاده از قابلیت کلان‌شهرهای جهان برای توسعه سیاست بین‌شهری بین‌المللی، به جایگزینی سیاست‌های بینادولتی در قالب سیاست شهری با توجه به پتانسیل شهروندی را مورد اقبال قرار داده است (Nejati Hosini, 2001: 117). یکی از مزایای دیپلماسی شهری این است که محدودیت‌هایی که در دیپلماسی ملی وجود دارد در دیپلماسی شهری نیست. دیپلماسی شهری عملاً در زمینه نمایندگی اقتصادی، فرهنگی، عمومی و مدیریت ابعاد منازعات در حال جایگزینی به جای دولت‌ها است (Talaei, 2011: 28). بنابراین، شهرها از نقش مهمی در سیاست و اقتصاد جهانی و بازسازی مدیریت جهانی برخوردار شده‌اند و می‌توانند به‌عنوان بازیگران کلیدی در چهارچوب سیاست‌های تمرکززدایی و اقدام‌های تعامل‌گرانه شهر به شهر، زمینه‌های افزایش تعامل را در حوزه‌های فناوری اطلاعات، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ در عصر جهانی شدن فراهم کنند (Acuto, 2013: 20). بدین معنا که دید دیپلماسی شهری با تأکید بر سه وجه کاربردی، توسعه و بهسازی تعامل‌ها و مناسبات میان شهری و تکیه بر ملت‌ها به جای دولت‌ها می‌تواند در کنار دیپلماسی رسمی در بهبود روابط با دیگر کشورها مؤثر واقع شود و در زمینه‌های تسهیل ارتباطات، انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و اطلاع‌رسانی مناسب، نقش مؤثری در مقایسه با دیپلماسی رسمی ایفا کند (Daroudi & Peimani, 2013: 718). دیپلماسی شهری به‌عنوان شکلی جدید از دیپلماسی عمومی در عصر جهانی شدن ابزاری است که شهرها از طریق بازیگران شهری بویژه شهرداری‌ها به تعامل با کنشگران هم‌تراز می‌پردازند و با توجه به تحولات نظام بین‌المللی و اهمیت یافتن فزاینده نهاد‌های عمومی، نقش عمده و کاربردی را در روابط بین‌الملل برای تعامل، تقویت مذاکرات، توسعه و بهسازی روابط میان ملت‌ها ایفا می‌کنند (Acuto, 2013: 158).

جدول شماره ۱: اهداف مدیران کلان‌شهرها در برقراری روابط با یکدیگر در قالب دیپلماسی شهری

حرکت در مسیر دو رخداد مهم جهانی «شهری شدن جهان» و «ظهور شهرهای جهانی».
تکیه بر مشارکت آگاهانه شهروندان بویژه تشکل‌های غیر دولتی و داوطلب.
حرکت در مسیر تحقق سیاست تمرکززدایی و ایجاد دموکراسی در مدیریت واحد شهری.
ایجاد فرصت‌های برای تعاملات فرهنگی و گرد شگری برای معرفی همه جانبه شهر در عرصه بین‌المللی.
ایجاد تعاملات فضایی و اجرای رویدادهای مشترک برای شناخت هر چه بهتر طرفین.
ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران داخلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی برای رشد و شکوفایی شهر.
آموزش مستمر جریان دانایی (به روز بودن داده‌ها و به‌کارگیری یافته‌ها و دستاوردهای نوین جهانی در مدیریت شهری) (www.shiraz.ir/bundles/IcmsPapers/files/m5089/file647.pdf).

در این میان یکی از راه‌های تقویت دیپلماسی شهری ایجاد پیوند بین شهرها است که صورت «یادداشت تفاهم خواهر شهری» ایجاد می‌شود (KavyaniRad, 2016: 85).

۳-۳- خواهر شهری

خواهرشهری یادداشت تفاهمی^۱ است که بین مسئولان اجرایی شهرها (شهرداران و مدیران محلی) در کشورهای مختلف به‌صورت دو جانبه برای همکاری‌های بلند مدت و رسمی، افزایش ارتباطات میان فرهنگ‌ها و ارتقاء تعاملات انسانی میان ساکنان شهرها ایجاد می‌شود. در واقع این پیوندها، بین شهرهایی امضاء می‌شود که نوعی وجه تشابه و همسانی در حوزه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نمادها مشترک و غیره با یکدیگر داشته باشند تا ضمن ایجاد اتحاد بین شهروندان از ظرفیت‌های یکدیگر برای پیشبرد اهداف خاص استفاده کنند. از این‌رو، بر پایه رابطه‌ای دوستانه و هدفمند که به‌منظور تبادل اطلاعات و تجربیات و توسعه مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شهری، فنی و سیاسی میان یک جامعه شهری با جامعه شهری همانند خارجی استوار است. از آن‌که

چنین تفاهم نامه‌هایی در بر گیرنده سه بخش اصلی یک اجتماع یعنی «حکومت محلی، تجارت و بخش خصوصی (جامعه مدنی و سازمان)» می‌شوند در نوع خود منحصر به فرد به‌شمار می‌روند (www.shiraz.ir/bundles/IcmsPapers/files/m5089/file647.pdf).

نخستین توافق از روابط خواهر شهری در سال ۱۹۲۰ پس از جنگ جهانی اول، بین شهر انگلیسی «کیثلی»^۱ و شهر فرانسوی «پوآدونور»^۲ منعقد شد. از این دو شهر به‌عنوان اولین پیوند خواهر شهری یاد می‌شود (Handley, 2006: 4). هدف ابتدایی از ایجاد پیوندهای خواهر شهری این بود که شهرها از ظرفیت و توان یکدیگر برای حل مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کنند. بر اساس همین هدف در کشورهای توسعه یافته دولت‌ها اعتماد بیشتری به مدیریت‌های شهری کردند و اختیارات بیشتری به آنها دادند. با پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ میلادی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا یعنی «ژنرال آیزنهاور» در سال ۱۹۵۶ در ارائه برنامه «مردم با مردم»^۳ خود بر شکل‌گیری پیوندهای خواهر شهری بین شهرهای آمریکا با شهرهای جهان تأکید کرد و به این ترتیب حرکت جهانی برای این موضوع پایه‌گذاری شد. هدف اعلامی آیزنهاور از تأکید بر این طرح، درگیر کردن افراد و سازماندهی گروه‌ها در تمامی سطوح جامعه برای کاهش درگیری‌ها در سطح جهان با ایجاد پیوندهای خواهر شهری بود. ایجاد روابط خواهر شهری به پرورش تفاهم و دوستی و اعتماد در سطح بین‌المللی، تبادل برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و ورزشی به توسعه توریسم و تجارت کمک می‌کند. بنابراین، روابط خواهر شهری تسهیل‌گر بی‌نظیری برای رشد اقتصادی است. مفاد این پیوندها موضوعات فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی و اخیراً ورزشی را شامل می‌شود (www.shiraz.ir/bundles/IcmsPapers/files/m5089/file647.pdf).

امروزه خواهرشهرها، شبکه غیرانتفاعی و غیردولتی گسترده‌ای از شهروندان و همکاران بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر بیش از ۱۶۴۸۴ پیوند خواهر شهری رسمی بین ۱۲۵۹۶ شهر از ۱۶۵ کشور جهان برقرار است (KavyaniRd, 2016: 66). بر اساس یافته‌های موجود، تفاهم خواهر شهری «رشد و توسعه پایدار شهرها و تعاملات فرهنگی دو شهر» را در قالب رشد

1- Keighley
2- Poix-du-nord
3- People-to-people

اقتصادی، توسعه فرهنگی و توسعه صنعت گردشگری پی داشته است (www.shiraz.ir/bundles/IcmsPapers/files/m5089/file647.pdf).

۳-۴- فرایندهای ایجاد خواهر شهری

شهرها از راه‌های مختلفی یکدیگر را پیدا می‌کنند. گاهی شهرداران دو شهر یکدیگر را ملاقات و با یکدیگر آشنا می‌شوند و پس از آن مقدمات ایجاد یک پیوند را بین شهرهای یکدیگر را فراهم می‌آورند. در موارد دیگری گروه یا افرادی از اجتماع، محلات، تجار یا اعضای انجمن‌های قومی جریان امور را به دست گرفته و کمیته‌ای جهت ایجاد پیوند بین شهرهای یکدیگر ایجاد می‌کنند و سپس از رهبران منتخب خود می‌خواهند که همکاری رسمی بین دو شهر از دو کشور ایجاد شود. برخی از این شهرها نیز به علت هم نام بودن و یا به سبب این که جشن یا فستیوال مشابهی دارند، بین یکدیگر پیوند «یادداشت تفاهم خواهر شهری» ایجاد می‌کنند (Hataminejad, Madavi, 2001: 61). شرایط و مسائلی که برای داشتن روابط موفق بین شهرها در قالب یادداشت تفاهم خواهر شهری لازم می‌باشد به شرح ذیل است:

- ۱- تعریف اهداف واضح برای روابط و همکاری؛
- ۲- وجود همسانی‌های در یکی از مقوله‌های فرهنگی، اقتصادی، تاریخی، جغرافیایی، زبانی، دینی و ... بین دو شهر؛
- ۳- حمایت و مشارکت دپارتمان‌های مختلف شهری از جمله شوراهای شهر و بنگاه‌های اقتصادی، فنی، امنیتی، سمن‌ها و ...؛
- ۴- گذر از مجاری قانونی طرفین برای اخذ مجوزهای لازم؛
- ۵- تبادل و تحقق یادداشت تفاهم همکاری خواهر شهری با حضور مسئولین مربوطه (شهرداران و مدیران محلی) دو شهر؛
- ۶- تبادل هیئت‌های رسمی

(www.shiraz.ir/bundles/IcmsPapers/files/m5089/file647.pdf)

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- سیاست خارجی دولت‌های مستقر در ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

۴-۱-۱- روابط غیرتنش‌زای واقع‌گرایانه ملی‌گرا: دوره واقع‌گرایی حفظ‌محور (۶۰-۱۳۵۷)

اولین رویکرد در سیاست خارجی بعد از انقلاب اسلامی نگاه‌خوش‌بینانه نسبت به نظام بین‌الملل بود که تنش‌زدایی در روابط خارجی را تجویز می‌کرد و درصدد بود که طرحی نو را در عرصه سیاست خارجی ایران تدوین نماید (Ramezani, 2001: 59). در این دوران که «گفتمان مصلحت‌محور یا واقع‌گرا» مسلط بود سیاست خارجی از یک‌سو تحت تأثیر شرایط انقلاب و مطالبات جدید مردم قرار گرفته بود و از سوی دیگر به‌خاطر ماهیت تجدیدنظرطلبانه انقلاب، منافع قدرت‌های بزرگ را به‌طور اساسی تهدید می‌نمود. این دوگانگی را می‌توان از جنبه دیگری، یعنی از جنبه ماهیت آرمانی انقلاب و واقع‌گرایی نیروهای تشکیل‌دهنده دولت موقت مورد ارزیابی قرار داد. دولت موقت و شخص نخست‌وزیر (مهدی بازرگان) به‌رغم این که متعهد و کاملاً مذهبی بودند ولی بافت فکری آنان معطوف به ارزش‌ها و معیارهای ملی بود. آنان پایبند به اندیشه آزادی، طرفدار فعالیت آزادمنشانه نهادهای مشارکت قانونی، تأمین ثبات سیاسی و نهایتاً برپایی و تقویت جامعه مدنی بودند در حالی که از دیدگاه بسیاری دیگر حیات انقلاب در گرو اتخاذ سیاست‌های رادیکالی بود که باید خاورمیانه و نهایتاً دنیا را دگرگون می‌کرد (Azghandi, 2001:10). به‌عبارت دیگر، بازرگان نوعی سیاست عدم تعهد را در پیش گرفته بود. وی بر این باور بود که سیاست ایران در قبال قدرت‌های بزرگ «باید مانند سیاست مصدق» باشد. سیاست عدم تعهد مصدق که بیشتر به نام سیاست «موازنه منفی» شناخته شده است در پی حفظ استقلال ایران از طریق پایان دادن به سلطه انگلیس بود. بازرگان نیز در صدد بود تا با برهم زدن اتحاد عملی شاه با ایالات متحده به سلطه آمریکا پایان دهد. به گفته کریم سنجابی، نخستین وزیر خارجه ایران انقلابی، سیاست عدم تعهد ایران بر چهار رکن استوار بود: «تاریخ، موقعیت ژئوپلیتیک کشور، آرمان‌های معنوی و انسانی اسلام و اصل مقابله به مثل کامل در مناسبات با دیگر کشورها» (Ramezani, 2001:60). در این دوران به علت مسائل اول

انقلاب، حمله به سفارت آمریکا، آغاز جنگ تحمیلی، عدم ثبات سیاسی، تعارض دیدگاه‌ها در سیاست خارجی، (سیاست نه شرقی و نه غربی، ترس از دست دادن موقعیت خود و یا محاکمه شدن به جرم نزدیکی به غرب یا شرق) هیچ کدام از مسئولین به فکر مسایل شهری نبودند. ضمن اینکه مسایل و مشکلات شهری به شدت امروز در دنیا و به خصوص در کشور ما به اندازه امروز مطرح نبود (KavyaniRad, 2016: 151).

۴-۱-۲- دوره رکود و بی‌اعتمادی در دوران انقلابی‌گری: دوره آرمان‌گرایی بسط‌محور (۶۸-۱۳۶۰)

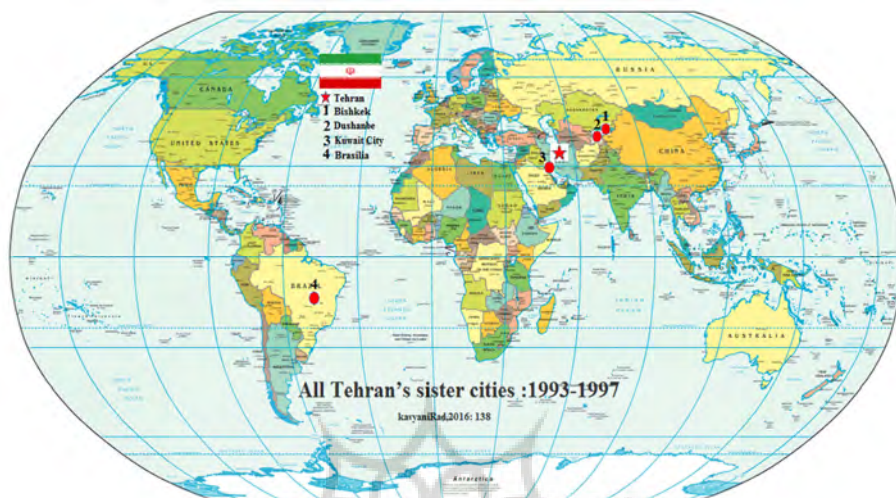
رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب در سطح داخل تحت تأثیر نیازها، امکانات و ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، وضعیت جمعیتی و برخی عوامل دیگر می‌باشد. در کنار این عوامل وضعیت و شرایط انقلابی و جنگ، بیشترین تأثیر را بر اقتصاد ایران و رفتار سیاست خارجی آن داشته است (Sotoudeh Arani, 2001: 4-5). هدف سیاست خارجی ایران در این سال‌ها صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورهای مسلمان بود. جهت‌گیری انقلاب به سمت استکبار ستیزی و بیداری ملت‌های مستضعف، بیداری ملل مسلمان جهان، به خصوص بیداری ملل حاشیه خلیج فارس بود که به خاطر اشتراکات مذهبی و فرهنگی روی آنها تأکید خاصی می‌شد. پیروی از سیاست صدور انقلاب باعث گردید که اولاً بازیگران عرصه روابط بین‌الملل به جمهوری اسلامی به عنوان یک نیروی برهم زننده نظم جهانی بنگرند و ثانیاً در سطح منطقه نیز بسیاری از کشورها ایران را به عنوان یک خطر بالقوه و تهدید کننده امنیت ملی تلقی کنند. برداشت مفسرین غربی این بود که انقلاب ایران بدون صدور به آن سوی مرزهایش نمی‌تواند دوام داشته باشد (Borowie, 1993: 37). این جنبه سیاست خارجی را می‌توان در روابط جمهوری اسلامی با سازمان‌های بین‌المللی بویژه با سازمان ملل متحد مشاهده کرد. ایران این سازمان را ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به تصمیمات کشورهای دارای حق و تو تلقی می‌کرد و نوعی عدم اعتماد سیاسی نسبت به این سازمان داشت. برخورد غیرمنطقی و نادرست این سازمان در جنگ ایران و عراق این بی‌اعتمادی

را شدت بخشید و جمهوری اسلامی می‌کوشید تا تعهدی به تصمیمات سازمان ملل نسیارد (Azghandi, 2001: 14-15). در کنار عوامل یاد شده عدم ثبات مدیریت در راس شهرداری تهران، عدم آشنایی مدیران شهری به مسایل روز شهری، دیپلماسی شهری و مسئله خواهر شهری مطرح نبود. عوامل ذکر شده خود باعث شده بود چهره شایسته‌ای از ایران و تهران در دنیا انعکاس نیابد و کشور و شهرهای بزرگ و پایتخت این کشورها تمایلی به برقراری ارتباط با ایران و شهرهای ما نداشته باشند (KavyaniRad, 2016: 151).

۴-۱-۳- دوران سازندگی: دوره توسعه‌گرایی اقتصادمحور (۱۳۶۸-۷۶)

پایان جنگ عراق علیه ایران و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، رحلت امام خمینی (ره)، بازنگری قانون اساسی، انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری، خرابی‌های جنگ، نابودی مراکز تولید، محاصره اقتصادی و نابسامانی‌های اقتصادی در سطح داخلی از یک سو، فروپاشی اتحاد شوروی و گشایش ناشی از پایان جنگ سرد در سطح بین‌المللی (Azghandi, 2001: 15) جملگی از مسائلی بودند که توسعه‌گرایی اقتصادمحور را به‌عنوان گفتمان مسلط بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوران درآورد. در دستور کار قرار گرفتن اولویت‌های توسعه اقتصادی کشور، سیاست عادی‌سازی روابط با سایر کشورها را می‌طلبد تا از آن طریق بتوان با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بخشی از سرمایه مورد نیاز برای بازسازی و ویرانی‌های جنگ را تأمین نمود. شروع این برهه مصادف با دوران تصدی هاشمی رفسنجانی بود و بر تنش‌زدایی در سیاست خارجی تأکید می‌کرد و در نتیجه الزامات ناشی از زیستن در نظام به هم پیوسته بین‌المللی به تدریج رویکردهای واقع‌گرایانه در سیاست خارجی ایران نمود یافت (Ehteshami, 2002: 100). در این مقطع سیاست خارجی ایران توانست تا حدود زیادی امکانات و محدودیت‌های خود را شناسایی کند و با توجه به آنها برای بازسازی روابط خود با سایر کشورها گام بردارد. جمهوری اسلامی برای سامان دادن به اوضاع داخلی و بازسازی کشور، اصلاح اقتصادی را سرلوحه کار قرار داد. عنصر محوری گفتمان حاکم در آن دوران (گفتمان توسعه‌گرایی اقتصادمحور) را عمل‌گرایی در تنظیم و اجرای سیاست خارجی با رعایت ارزش

های اسلامی تشکیل می‌داد. در واقع خط مشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی در دهه دوم انقلاب را می‌توان با توجه به منافع ملی، ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از تحریک دیگران در قالب سیاست عادی‌سازی روابط تبیین کرد (Azghandi, 2001:15). در این دوره مصالحه و همزیستی با سایر ملل مورد اهتمام قرار گرفت (Ramezani, 2005: 70). سیاست توسعه‌گرایی اقتصادمحور آقای هاشمی رفسنجانی که برخی از آن تحت عنوان «واقع‌گرایی، عمل‌گرایی و مصلحت‌اندیشی» نام می‌برند، می‌توان در سه سطح تحلیل تشخیص داد: «عرصه داخلی هدایت اقتصاد بازار آزاد و کاهش تصدی فعالیت‌های اقتصادی توسط دولت، برقراری ثبات سیاسی، رفاه اجتماعی و انسجام ملی مورد اهتمام قرار گرفت. در سطح منطقه‌ای پیدایش کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در پی فروپاشی شوروی موجب شد ایران در صدد کسب منافع اقتصادی در شمال و ایجاد توازن امنیتی در جنوب برآید که این امر، سیاست صدور انقلاب تا حدودی کمرنگ می‌کرد. در عرصه بین‌المللی نیز شاهد مجدد ایران در نظام اقتصاد جهانی از رهگذر پذیرش رهنمون‌های صندوق بین‌المللی پول ادغام می‌شد (Dehshiri, 2001:383). پیوندهای شهری در تهران در دور دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و در سال ۱۳۷۳ و با پایتخت قرقیزستان، بیشکک برقرار شد. در طی سه سال چهار پیوند در زمینه خواهر شهری در تهران ایجاد شد. می‌توان گفت علاوه بر تأثیر مستقیم سیاست خارجی در برقراری این‌گونه پیوندها، ثبات مدیریت نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در ایجاد این پیوندها باشد. شاید بتوان گفت حضور شهردار تهران در هیئت دولت باعث آشنایی با مسائل بین‌الملل و ارتباط با دیگر مقامات کشورها و شهرها شده و به علت شرایط خاصی که در بالا ذکر شد در مورد تهران تابوی برقراری این روابط شکسته شد (KavyaniRad, 2016: 155).



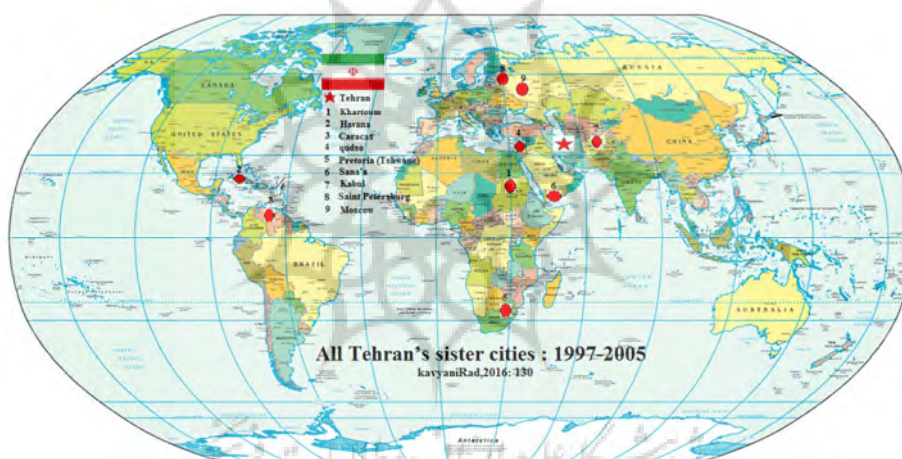
نقشه شماره ۱: خواهر شهرهای کلان شهر تهران در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی
(KavyaniRad, 2016: 138)

۴-۱-۴- دوران اصلاحات: دوره گفتگوهای سازنده و فراگیر (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

در این دوره از سیاست خارجی ایران که مصادف با روی کار آمدن آقای خاتمی است، سیاست توسعه‌گرایی دوره قبل تداوم یافت، با این تفاوت که مباحث سیاسی و فرهنگی در این فرآیند جایگزین محوریت اقتصاد در دوره قبل گردید. در این دوره از سیاست خارجی ایران «نحوه بیان و شیوه رفتار و برخورد با دیگران تغییر یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و قایل شدن به توسعه صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی، پذیرش پلورالیسم جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ‌ها به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد» (Azghani, 2001: 18) در این دوران، اصول جدید در سیاست خارجی بر تنش زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز و کسب اعتبار جهانی تأکید می‌کرد. بنابراین، دولت جمهوری اسلامی گام‌های اساسی در جهت گفتگو با جهان خارج و تنش‌زدایی با کشورهای منطقه و جهان برداشت و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را افزایش داد (Azghandi, 2001: 19). در این دوران، تنش‌زدایی جدای از تأثیرات مثبت؛ تغییر در خط مشی سیاست خارجی

ایران مبنی بر تنش‌زدایی، اعتماد سازی و مشارکت‌گرایی منطقه‌ای رافراهم کرد. سیاست خارجی ایران در قبال اروپا در دوره خاتمی را بایستی با نظریه «گفتگوی تمدن‌ها» شروع کرد. این نظریه در شرایطی ارائه شد که جدال‌های فرهنگی و تمدنی به‌عنوان برداشت اصلی در روابط بین‌الملل مورد بحث قرار گرفته بود. تنش‌زدایی با فاصله گرفتن از اولویت‌های ایدئولوژیکی به‌سمت همگرایی، همکاری همه‌جانبه پیش رفته و در نتیجه زمینه‌های بیشتری را برای گفت‌وگوی میان تمدن‌ها و هم‌گرایی چندجانبه حکومتی فراهم می‌آورد. پذیرفته شدن این پیشنهاد در سازمان ملل متحد و نامگذاری سال ۲۰۰۱ از سوی این سازمان به‌عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها را می‌توان نتیجه تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سیاست خارجی ایران در این دوره دانست. به‌دنبال انتخابات مجلس ششم و پیروزی اصلاح‌طلبان، فضای سیاسی مثبت‌تری میان ایران و اروپا به وجود آمد (Sanaei, 2003: 63). یکی از انگیزه‌های مطرح در سیاست خارجی ایران در روابط با اروپا وجود و نقش‌آفرینی یک قطب قوی نظیر اروپای واحد در برابر سلطه‌طلبی و هژمونی آمریکا مطرح می‌شود که این امر به‌صورت اساسی از ابتدا مورد توجه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. لذا طی سالهای ۷۶ تا ۸۰ روابط با اروپا توسعه یافت و برای اولین بار روسای جمهور ایتالیا، آلمان، و فرانسه از ایران دیدار کردند. اما از طرف دیگر انتظار بیش از اندازه داشتن از اروپا در زمینه چالش با آمریکا واقع بینانه نبود (Tarazjani, 2000: 187). دولت آقای خاتمی در ابتدا سعی نمود که کشور را از حلقه تنگ مهار سیاسی، نظامی و تکنولوژیک آمریکا رها سازد. بعد تلاش نمود تا با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران در یک منطقه پر تنش، موقعیت دفاعی و بازدارندگی‌اش را تقویت کند. در وهله سوم نیز تلاش کرد با تنش‌زدایی به رفع تعارضات خود و کشورهای منطقه و همسایه در قالب ابتکاراتی چون گفتگوی تمدن‌ها در سطح سازمان‌های بین‌المللی بویژه سازمان ملل بپردازد (Ramazani, 2001: 227) به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران فرجام و آغاز تحولی واسازانه در جامعه بود. به‌رغم محفوظ ماندن قداست کانون‌ها و اصول بنیادین نظام در فرایند این تغییر و تحول، دقایق و عناصر سازنده و پرداخت و ساخت جامعه، موضوع قرایتی متفاوت قرار گرفته و گفتمان نوینی در عرصه سیاست خارجی و داخلی را شکل داد (Darvishi & Fardi Tazehkand, 2008: 120). در

دوره توسعه‌گرایی سیاست‌محور رشد جامعه مدنی موجب اصلاح ساختاری و کارکردی سیاست‌گذاری خارجی را فراهم نمود و به لحاظ ساختاری افزایش نقش‌ها به جای اشخاص در فرآیند تصمیم‌گیری را در پی داشت. توسعه سیاسی و فرهنگی، افزایش ارتباطات با دیگر کشورها و به خصوص اتحادیه اروپا و همچنین با توجه به تجربیات دوره گذشته در زمینه دیپلماسی شهری و ایجاد پیوندهای خواهر شهری، نشان دادن چهره بهتر از ایران و تهران، باعث شد تا دیگر شهرهای جهان به برقراری روابط با تهران اقدام نمایند. در مدت شش سال مسئولین شهرداری تهران توانستند نه پیوند در زمینه خواهر شهری با دیگر شهرهای جهان برقرار کنند (Kavyanirad, 2016: 157).

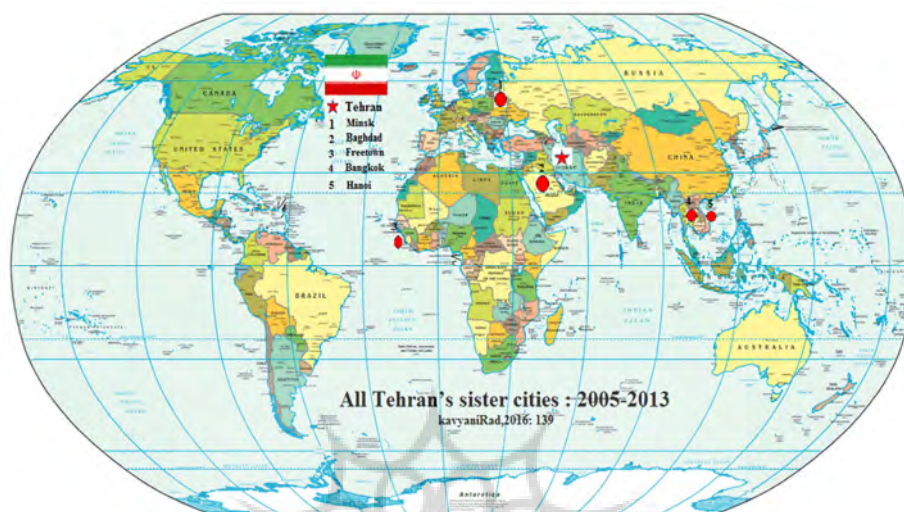


نقشه شماره ۲: خواهر شهرهای کلان شهر تهران در دوره ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی

(KavyaniRad, 2016: 130)

۴-۱-۵- دوره آرمان‌گرایی اصول‌محور: تخاصم و تقابل در دوران اصول‌گرایان (۱۳۸۴-۱۳۹۲)
 تسلط گفتمان آرمان‌گرایی اصول‌محور بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره را می‌توان متأثر از عوامل متعدد داخلی و بین‌المللی دانست که از آن میان می‌توان به مسئله هسته ایران، افزایش فشارهای بین‌المللی در این مورد و بازرسی‌های متعدد نمایندگان آژانس از مراکز فعال در امر فرآوری هسته در کشور اشاره کرد. در دوره آرمان‌گرایی اصول‌محور با تحولاتی

مانند تعلیق کلیه همکاری‌های داوطلبانه هسته با نهادهای بین‌المللی و غربی و شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های فزاینده را برای کشور به‌دنبال داشت. در این دوران به‌دلیل از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای، شعارهای انقلابی، نفی هولوکاست و ضدیت با صهیونیسم از مسئولیت‌های ملی همه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران بوده است. لیکن این مسئولیت با توجه به فرایند هویت‌یابی دولت نهم و دهم و رویکرد تهاجمی آن در سیاست خارجی در این دوره به‌شدت تقویت و به یکی از جلوه‌های بارز سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد تبدیل شد (Firouzabadi et al, 2012: 249). در نتیجه اتخاذ این سیاست‌ها، روابط خارجی با اتحادیه اروپا قطع شد و اتحادیه اروپا با نزدیکی سیاست‌های خود به آمریکا ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت را پی گرفت. سپس با تصویب قطعنامه تحریمی موافقت نامه‌های تجاری بین طرفین را لغو کرد. با این حال، بسیاری از کارشناسان حوزه سیاست خارجی بر این باور هستند که آقای احمدی‌نژاد در بسیاری از مسائل به‌تنهایی و با اتکای به نظرات خود چنین اقداماتی انجام می‌داد و ایشان معتقد به استفاده از نیروهای کارشناس در این زمینه نبود. از این‌رو، کارشناس خبره سیاست خارجی در کنار آقای احمدی‌نژاد قرار نداشت. تصور ایشان این بود که همه این مسائل را به‌خوبی می‌داند و نیاز به مشاوره کارشناسان مسلط در این حوزه ندارد. بر این اساس، مسئول محدودیت‌های حاکم بر سیاست خارجی کشور بویژه در دور دوم عمدتاً شخص آقای احمدی‌نژاد بود (Abedini, 2013: 87). با توجه به اتفاقات ذکر شده در سیاست خارجی که بیشتر برنامه‌های خرد و کلان کشور را تحت تأثیر خود قرار می‌داد لذا مسئله دیپلماسی شهری نیز از این قاعده مستثنی نبود. با توجه به تجربیات دو دوره قبل در زمینه دیپلماسی شهری و ایجاد پیوندهای خواهر شهری، به علت سیاست خارجی تهاجمی در این دوره شهرداری تهران توانست پنج پیوند خواهر شهری با چند شهر دیگر ایجاد کند (KavyaniRad, 2016: 158).



نقشه شماره ۳: خواهر شهرهای کلان‌شهر تهران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد
(KavyaniRad, 2016: 139)

۴-۱-۶- دوره تدبیر و امید (۱۳۹۶-۱۳۹۲)

سیاست خارجی روحانی مبتنی بر نقدی اصولی، متین و خردمندانه از هدایت روابط خارجی در هشت سال پیش در دوره دولت قبلی بود. این تغییرات نشان دهنده درک واقع بینانه از نظم بین‌المللی معاصر و چالش‌های بیرونی جاری در برابر جمهوری اسلامی بود. روحانی همچنین خواستار گفتمان اعتدال شد. این رویکرد می‌خواهد تا ضمن عنایت به حفظ امنیت ملی، ارتقای جایگاه کشور و نیل به پیشرفت فراگیر بلندمدت، ایران را از رویارویی به سوی گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم هدایت کند. اعتدال رویکردی مبتنی بر واقع‌گرایی، اعتماد به نفس، آرمانگرایی واقع‌بینانه و تعامل سازنده است. اعتدال در نگاه روحانی ترکیب باور عمیق به آرمان‌های محبوب انقلاب اسلامی با ارزیابی عینی از ظرفیت‌های واقعی، توانایی‌ها و نیز محدودیت‌های ایران است. چنین نگاهی خواستار دوری عامدانه از اقدامات توهین‌آمیز، تحقیرکننده و یا خود بزرگ‌انگارانه است. رویکرد روحانی مستلزم تلاشی ظریف برای نیل به توازن است: بین نیازهای ملی، منطقه‌ای و جهانی از یکسو و امکانات، ابزار و سیاست‌های موجود از سوی دیگر؛ بین تداوم و انعطاف

در سیاست خارجی؛ بین اهداف و امکانات؛ و بین اسباب و ابزار مختلف قدرت در جهانی دائماً در حال تغییر. نهایتاً، تعهد روحانی به تعامل سازنده مستلزم گفتگو و کنش و واکنش با دیگر کشورها براساس جایگاه برابر، احترام متقابل و در خدمت منافع مشترک است. براساس چارچوب مفهومی فوق، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت کنونی معطوف نیل به تفاهم و اجماع در سطح ملی و تعامل سازنده و همکاری مؤثر با دنیای خارج خواهد بود (www.yjc.ir/fa/news/4813696). در این دوره با توجه به فضای ایجاد شده در گفتگوهای هسته‌ای و تأثیر آن بر حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، مسئولین شهری توانستند هشت پیوند شهری با دیگر شهرهای جهان ایجاد کنند. پیوندهای ایجاد شده در این دوره نسبت به دوره‌های قبلی، همسویی بیشتری با سیاست خارجی دارد.



نقشه شماره ۴: خواهر شهرهای کلان شهر تهران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی (KavyaniRad, 2016: 146)

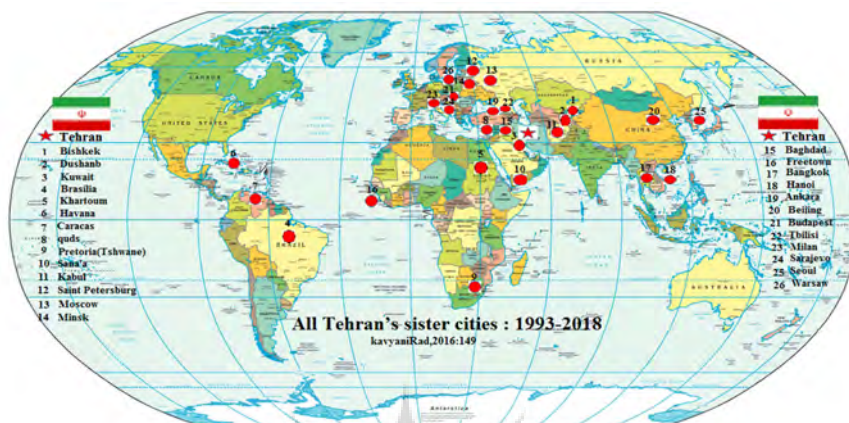
۴-۲- سابقه پیوندهای شهری در ایران

بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مسئولین شهرهای مختلف همانند اصفهان، تهران، مشهد، شیراز و ... توانسته‌اند با بیش از ۸۹ شهر در کشورهای مختلف پیوند خواهر شهری ایجاد نمایند (www.irna.ir/fa/News/82911027). در حال حاضر تعداد کل خواهر شهرهای ایران

بیش از ۱۴۰ مورد است (www.entekhab.ir/fa/news/302604). در این میان، کلان‌شهر اصفهان اولین شهری بوده است که بعد از انقلاب پیش قدم شده و با شهر شیان (چین) پیوند خواهر شهری ایجاد کرد (www.isfahan.ir/Index.aspx?tempname=khahar&lang). در این میان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری تهران به عنوان پایتخت کشور در محدوده کل مملکت و به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران، فرامنطقه‌ای نیز عمل می‌کند (Akhbari & Moazzen, 2011: 41). بر این اساس، از انقلاب سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۳ بیش از شانزده سال دیپلماسی شهری و مسئله پیوندهای شهری کلان‌شهر تهران در حاشیه قرار گرفت. اولین پیوند شهری کلان‌شهر تهران در سال ۱۳۷۳ و در زمان ریاست آقای کرباسچی (شهردار وقت تهران) آغاز شد. امروزه شمار پیوندهای کلان‌شهر تهران با دیگر شهرها از کشورهای مختلف به بیست و هفت پیوند رسیده است. گاهی از سوی برخی مسئولین شهری کلان‌شهر تهران عنوان می‌شود که تهران با کلان‌شهر پاریس (فرانسه) و شهر نیوساوت‌ولز (استرالیا) داری دارای پیوند خواهر شهری است. این در حالی است که این پیوند به صورت پیش نویس به امضاء معاون بین‌الملل شهرداری پاریس آقای «پاتریک الویه پیکو» و مدیرکل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران «عبدالرحیم کرکه‌آبادی» رسیده است و مسئولین حاضر در مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران عنوان می‌کنند که این پیوند به علت وجود گروه‌های فشار، روابط سیاسی بین دو کشور و ... در کوتاه مدت ایجاد نخواهد شد و آینده آن نیز معلوم نیست که این پیوند ایجاد خواهد شد یا نه؟ با این حال مسئولین مرتبط با ایجاد این گونه پیوندها از پاریس به عنوان یکی از خواهرشهرهای تهران یاد می‌کنند. در مورد یادداشت تفاهم با شهر «نیوساوت‌ولز» نیز گفته شده است که این پیوند در مقطعی فعال بوده است و دیگر عملیاتی نیست (KavyaniRad, 2016: 177).

جدول شماره ۲: پیوندهای شهری کلان‌شهر تهران با شهرهای دیگر در قالب خواهر شهری

شماره	دولت موقت	کشور	شهر	نوع سند	زمان امضاء سند
۱	هاشمی	قرقیزستان	بیشکک	معاهده خواهر شهری	۱۳۷۳/۳/۲
۲	رفسنجانی	تاجیکستان	دوشنبه	قرارداد خواهر شهری	۱۳۷۴/۴/۲۰
۳	(دوره دوم سازندگی)	کویت	کویت	پیمان خواهر شهری	۱۳۷۴/۶/۲۳
۴	(۱۳۷۶-۱۳۷۲)	برزیل	برازیلیا	قرارداد خواهر شهری	۱۳۷۵/۷/۳۰
۵	سیدمحمد خاتمی (دوره اصلاحات) (۱۳۸۴-۱۳۷۶)	سودان	خارطوم	پیمان خواهر شهری	۱۳۷۹/۷/۲۵
۶		کوبا	هاوانا	پیمان خواهر شهری	۱۳۷۹/۱۲/۱۷
۷		ونزوئلا	کاراکاس	توافقنامه خواهر شهری	۱۳۸۰/۲/۳۱
۸		فلسطین	قدس شریف	توافقنامه خواهر شهری	بهمین ۱۳۸۰
۹		آفریقای جنوبی	ثیوانی	یادداشت تفاهم خواهر شهری	۱۳۸۰/۱۲/۲۵
۱۰		یمن	صنعا	توافقنامه خواهر شهری	۱۳۸۲/۲/۲۱
۱۱		افغانستان	کابل	تفاهم نامه همکاری	۱۳۸۳/۵/۱۹
۱۲	محمود احمدی- نژاد (دوره تقابل) (۱۳۹۲-۱۳۸۴)	روسیه	سنت پترزبورگ	یادداشت تفاهم همکاری	۱۳۸۳/۸/۱۹
۱۳		روسیه	مسکو	تفاهمنامه خواهر شهری	۱۳۸۳/۹/۱۱
۱۴		بلاروس	مینسک	پیمان خواهر شهری	۱۳۸۵/۸/۱۶
۱۵		عراق	بغداد	توافق نامه همکاری	۱۳۸۶/۱۲/۶
۱۶		سیرالئون	فری تاون	یادداشت تفاهم همکاری	۱۳۸۸/۸/۱
۱۷		تایلند	بانکوک	یادداشت تفاهم دوستی و همکاری	۱۳۹۱/۹/۷
۱۸		ویتنام	هانوی	یادداشت تفاهم دوستی و همکاری	۱۳۹۱/۹/۹
۱۹	حسن روحانی (دوره تدبیر و امید) (۱۳۹۷-۱۳۹۲)	ترکیه	آنکارا	پیمان خواهر شهری	۱۳۹۲/۹/۲۷
۲۰		چین	پکن	موافقت نامه خواهر شهری	۱۳۹۲/۱۲/۸
۲۱		مجارستان	بوداپست	تفاهم نامه خواهر شهری	۱۳۹۴/۲/۱۴
۲۲		گرجستان	تفلیس	پیمان خواهر شهری	۱۳۹۴/۲/۲۹
۲۳		ایتالیا	میلان	توافق نامه همکاری	۱۳۹۴/۱۱/۲۶
۲۴		بوسنی و هرزگوین	سارایوو	پیمان خواهر شهری	۱۳۹۵/۸/۱۰
۲۵		کره جنوبی	سئول	تفاهم نامه روابط دوستی	۱۳۹۶/۷/۲۶
۲۶		لهستان	ورشو	تفاهم نامه همکاری	۱۳۹۶/۱۱/۲



نقشه شماره (۵) خواهر شهرهای کلان شهر تهران در چهار دوره ریاست جمهوری ایران
(KavyaniRad, 2016: 149)

۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

سیاست خارجی گواه بر راهبرد یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که معطوف به اهدافی معین در چهارچوب منافع ملی در محیط بین‌المللی است. دیپلماسی شهری به‌عنوان شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی، یکی از ابزارهای تقویت سیاست خارجی در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌رود که دولت‌ها می‌توانند به‌عنوان مکمل و نه رقیب در سیاست خارجی از آن استفاده کنند. در این شکل از دیپلماسی، استفاده از قابلیت شهرهای جهان برای توسعه روابط و همکاری‌های بین‌المللی در کنار سیاست بینادولتی، در قالب سیاست شهری و با توجه به پتانسیل شهروندی، مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از راه‌های تقویت دیپلماسی شهری، پیوندهای است که میان شهرها ایجاد می‌شود که با عنوان «یادداشت تفاهم خواهر شهری» از آن یاد می‌شود. این پیوندها بر پایه رابطه‌ای دوستانه و هدفمند برای تبادل اطلاعات، تجربیات و توسعه مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، شهری و فنی میان یک جامعه شهری در داخل با جامعه شهری همانند در خارج از کشور استوار است. در این میان، سیاست خارجی ج.ا. ایران پس از انقلاب عمدتاً بر اساس ارزش‌های اسلامی شکل گرفته و تغییر ماهیت داد و دولت‌ها نیز سیاست خارجی خود را بر اساس آن برنامه‌ریزی نمودند. بررسی سیاست خارجی ج.ا. ایران در دوره‌های مختلف ریاست

جمهوری نشان می‌دهند که برخی اصول موجود در گفتمان‌های ریاست جمهوری عمدتاً ماهیت ایدئولوژیک داشته‌اند و بخش جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی بوده‌اند. به دیگر سخن گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی، عمدتاً در ارتباط با رویکرد قوه مجریه بوده است. این گفتمان‌ها تمام ابعاد حاکمیتی (خُرد و کلان) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این ابعاد، دیپلماسی شهری است که می‌تواند در قالب «یادداشت تفاهم خواهر شهری» به‌عنوان یک مکمل در کنار سیاست خارجی ایفای نقش کند. در این میان بررسی‌های موجود نشان می‌دهد اگر چه تعداد پیوندهای خواهر شهری کلان‌شهر تهران با بیست‌وشش پیوند، بیشتر به سمت آسیا با یازده پیوند بوده است اما گرایش دولت‌ها در سیاست خارجی بیشتر به سمت اروپا با نه پیوند بوده است و گرایش کمتری به سمت قاره‌های آمریکا با سه پیوند و آفریقا نیز سه پیوند داشته و هیچ پیوندی بین کلانشهر تهران و شهرهای قاره اقیانوسیه ایجاد نشده است. بر این اساس، مسئولین شهری کلان‌شهر تهران در چهار دوره ریاست جمهوری (هاشمی رفسنجانی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی) با سیاست خارجی همسویی کمتری داشته، اما در دوره روحانی با توجه به تجارب قبلی در دیپلماسی شهری و شرایط پس‌ابرجام توانسته‌اند با هشت شهر پیوند خواهر شهری ایجاد نمایند. از این رو، هنگامی که رویکردهای یاد شده نمودی واقع‌گرایی داشته میزان تعامل و همکاری جهانی بیشتر شده است مانند دوره ریاست جمهوری حسن روحانی که توانست در مدت پنج سال هشت پیوند خواهر شهری با دیگر شهرها جهان ایجاد شد و هنگامی که رویکرد ایدئولوژیک بر دستگاه سیاست خارجی پر رنگ‌تر بوده میزان تهدیدات بیشتر شده و از همکاری با دنیا کاسته شده است مانند دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد که باعث شد از نظر کمی و کیفی تعداد پیوندهای خواهر شهری به پنج مورد کاهش یابد.

۷- قدر دانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران به‌خاطر حمایت‌های مادی و معنوی از انجام پژوهش حاضر تشکر و قدردانی نمایند.

References

- 1- Abedini, Vahid (2013), Review of the ex-President's foreign policy results, available at : <http://www.irdiplomacy.ir>[in Persian].
- 2- Acuto, Michele (2013), *Global Cities, Governance and Diplomay: the Urban Link*, Routledge.
- 3- Azghandi, Seyyed Alireza (2001), *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Goomes Publications [in Persian].
- 4- Akhbari, Mohammad, Moazzen Jameei, Mohammad Hadi (2011), Network Pattern Draw a Cultural Map Based on Geocaching Position. Case Study: Tehran Metropolis, *Geopolitics Quarterly*, No 41, Summer [in Persian].
- 5- Cizo, Alexander Mach, Aren (2015), *Urban Diplomacy (The Role of Local Governments in Preventing Conflict, Establishing Peace, Post-conflict Reconciliation*, Translation: Rangakh, Mohammad Javad and Mansoureh Eskandaran, Tehran, Entekhab Publishing [in Persian].
- 6- Darvishi, Farhad & Fardi Tazehkand, Mohammad (2008), The concept of national interests in foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Case Study: Khatami Government(1997-2005). *Geopolitics Quarterly*, Autumn [in Persian].
- 7- Daroudi, Mohammad Reza and and Nastaran Piemani(2013). "Assessing Urban Diplomacy Approach on Foreign Investors in Tehran Using Network Analysis Process - SWOT Analysis" *Middle-East Journal of Scientific Research* 15 (5): 715-722, 2013 [in Persian].
- 8- Dehshiri , Mohammad Reza (2001), The Cycle of Idealism and Realism in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, *Journal Title: Foreign Policy: 2001*, Volume 15, Number 2 [in Persian].
- 9- Deghani Firoozabadi, Seyed Jalal; Noori, Vahid & Ebadi, Sajjad (2012), *Foreign policy of the Islamic Republic of Iran during fundamentalism*, Imam Sadiq University Press [in Persian].
- 10- Ehteshami, Anoushiravan (1998), *Iranian foreign policy during construction*, Translated by: Ibrahim Mottaqi, Zohreh Postinchi, Tehran: Center for Islamic Revolution Documents Publications[in Persian].
- 11- Handley, Susan (2006). *Take your partners: The local authority handbook on international partnerships*. London: Local Government International Bureau. p. 4. Retrieved 20 September 2009.
- 12- Hataminejad, Hossein & Madavi , Ali (2001), Studying the links of the sister city in relation to the concepts of globalization, Tehran: *Municipalities Magazine* Vol 11, No 100 [in Persian].
- 13- Kavyanirad, Javad (2016), Master's Thesis: the impact of I.R.Iran Foreignn policyon Tehran Mtropolitan city diplomacy. Case Study : Sister city of Tehran metropolitan after the revolution, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University[in Persian].
- 14- Kavianirad, Morad (2015), *Geopolitical Weight of the Tehran Electoral District*

- in Power Relations, <http://www.lahidjan.com/62041/62041.html>[in Persian].
- 15- Kavianirad, Morad, Booyeh, Chamran (2013), The position of the concept of the vital space in the formation of Iraqi foreign policy, *Geopolitics Quarterly*, No Spring [in Persian].
- 16- Kaltenbrunner, Andreas (2013), Not all paths lead to Rome: Analysing the network of sister cities.
- 17- Khoshvaghath, Mohammad Hossein (1996), *Foreign Policy Decision Analysis*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications [in Persian].
- 18- Mesbahi, Mohiaddin (2001), Iranian Foreign Policy towards Central Asia and the Caucasus, in J. Esposito and R. K. Ramazani, eds., *Iran at the Crossroads*, Palgrave-Macmillan Academic Publishing [in Persian].
- 19- Mohammadi, Hamidreza (2015), Explaining the power syndrome and its impact on US foreign policy toward Iran, *Geopolitics Quarterly*, Autumn[in Persian].
- 20- Mojtahedzadeh, Pirouz (2010), *Political Geography and Geography*, Third Edition, Tehran: SAMT [in Persian].
- 21- Moghtader, Houshang (1980), *Debates on International and Foreign Policy*, Tehran, the Faculty of Political and Social Sciences Publications [in Persian].
- 22- Nejat Hosseini, Seyyed Mohammad (2011) *Urban Politics and Urban Diplomacy (from theory to experience)*, *Journal of Historical Sociology*: Autumn and Winter 2011 , Volume 3 , Number 2[in Persian].
- 23- Rahnamaei Mohammad Taghi , Pourmousavi Seyyed Mosavi (2006), Investigating the security instabilities of Tehran metropolis based on sustainable urban development indicators. *Tehran: Geographical Research*, Volume 38 , Number 57 [in Persian].
- 24- Ramazani, R.K (1975), *Iran's Foreign Policy, 1941-1973: A Study of Foreign Policy in Modernizing Nations*, Charlottesville: Virginia University Press[in Persian].
- 25- Rezaei Alireza & Torabi, Qasem (2012), Hassan Rouhani's foreign policy, constructive engagement within the framework of the developmentist government, *Quarterly of Political and International Research*, Islamic Azad University of Shahreza Branch , Volume 5, Issue 15 [in Persian].
- 26- Ramezani, Rouhallah (2006), *An Analytical Framework for Foreign Policy Review of the Islamic Republic of Iran*, Translated by Alireza Tayeb, Ney Publications [in Persian].
- 27- Rezaei, Alireza (2008), Desirable and efficient explanation of foreign policy in the context of the international system, *Tehran: Rahbord-e Yas Quarterly*, No 14 [in Persian].
- 28- Sanayi, Ardashir (1999), *Tension Decline in Iran-EU Foreign Relations*[in Persian].
- 29- www.ima.ir/fa/News/82911027 suolat,daruosh(2018), Iran is a sister city in 89 cities in the world [in Persian].

- 30- Talaei, Jafari, Khodadadi (2011), The study of the role and effect of urban diplomacy in national development and economics. Economy of the City Magazine, Fall 2011 - No 11[in Persian].
- 31- www.irna.ir/en/key. Iran News-Analytical News (2016), Foreign Policy Achievements of the 11th Government [in Persian].
- 32- www.entekhab.ir/fa/news/302604 Rajaei. Alireza (2016), Tehran Incorporation Agreement with the 27 world capitals / Contracts that remain on paper [in Persian].
- 33- www.shiraz.ir/bundles/IcmsPapers/files/m5089/file647.pdf .[in Persian]
- 34- www.en.sistercity.info /Sister city of the world.
- 35- www.isfahan.ir/Index.aspx?tempname=khahar&lang [in Persian].
- 36- Zarif, Javad (2014), Iranian foreign policy during Dr. Rouhani's term from Zarif's language, <http://www.yjc.ir/fa/news/4813696/>[in Persian].

